

فشرده سخنرانی احمد ضیاء صدیقی
در کنفرانس سراسری « نهضت آینده افغانستان »

=====

رفقای عزیز،

کنفرانس وسیع حاضر در شرایط پیچیده یی دایر گردیده، گروه انبوهی از هم‌زمان ما به دلایل گوناگون در این کنفرانس حضور ندارند. دستان شان را می‌فشاریم. این رفقا عزیز اند، آنها دوش به دوش ما در راه حقوق خلقها و زحمتکشان مبارزه کرده اند، تاثیر گذاشتند و حماسه آفریده اند. ما نگران سرنوشت سیاسی این رفقا هستیم. بگذارید تا از همه رزمندگان راه زحمتکشان و رفقای که در سالهای اخیر به دلایل مشکلات پیش آمده در مبارزه، از صحنه پیکار منظم و متشکل جدا شده اند، بخواهیم تا بار دیگر به این تشکل پیوندند و پرچم پرافتخار رهایی انسان زحمتکش را بر افراشته تر سازند.

رفقا،

کنفرانس ما در زمانی دایر شده که اساسگذاری یک حزب چپ نیرومند در دستور روز قرار گرفته است. ما را باور بر این است که برای اساسگذاری یک حزب چپ نیرومند، سهمگیری همه جانبه تمام مبارزان وفادار به جهانبینی زحمتکشان، شرط اساسی تحقق این اقدام تاریخی است. بر بنیاد همین باور، در های نهضت و حزب چپ فردا برای هر کدام این مبارزین گشاده بوده و آغوش آن فراخ است. اما آنانی که بر آرمانهای دیروز خود پا گذاشتند و رفتن را بر ماندن در خانواده چپ ترجیح دادند، از فرهنگ سیاسی-اقتصادی و اجتماعی احزاب بورژوازی پاسداری میکنند، ساز محافل حاکمه را می زنند و مبارزه طبقاتی را به سازش طبقاتی تبدیل میکنند، زحمتکشان نمیتوانند به آنها اعتماد نمایند، چه آنها دیگر به خانواده چپ واقعی تعلق ندارند. «نهضت آینده افغانستان» با ارایهء طرحهای مرامنامه و اساسنامه «حزب مردم افغانستان» برای ایجاد یک حزب نیرومند و دگرگونساز، امکانات بزرگی را برای رشد جنبش چپ افغانی فراهم ساخته و گام بلندی را برای آزادی و سعادت مردم برداشته است.

ما باید به پیش برویم. ما دنیایی برای فتح کردن در پیش روی داریم. **زمان رسالت هویت**

بخشیدن جنبش چپ افغانی را به دوش ما گذاشت

ما باور داریم که سازمان ما به یک حزب سیاسی مبدل میگردد، حزبی که مردم خواهند دیدش و قدرتش را تشخیص خواهند داد، شخصیت‌هایش را به اسم و قیافه خواهند شناخت،

نشراتی را به دسترس خواهند داشت و صدها کادر مشهور از آن سر بر خواهند آورد. مردم در خواهند یافت که این حزب به خاطر مرامنامه اش، اهداف دور و نزدیکش، جایگاه طبقات زحمتکش در تعقل و پراتیکش، سنت های سیاسی اش و اعتقادش به جهانی بینی علمی یک حزب متعلق به دنیای کار و زحمتکشان کشور است.

رفقا؛ حزب آینده ما، حزب اشخاص نیست. حزب کلمات قصار نیست، حزب محافل نیست، حزب سکوت های پر معنا و شعار های بی معنا نیست. این حزب سازمان واقعی سیاسی - اجتماعی خواهد بود که خود آگاهی و سیمای تیوریک آن را مبارزات فکری و اندیشه یی عمیق جهانی بینی زحمتکشان تشکیل میدهد.

سازمان ما مربوط به نسلی از انسانهای واقعی است که برای تغییر و دگرگونی و نو سازی جامعه افغانی مبارزه کرده اند، جنگیدند، جانهای عزیز خود را فدا کردند، ضربه خوردند و شکست عمیق بر آنها تحمیل گردیده، آرمانهای خود را با درسهایی که به بهای گزاف آموخته اند، به این سازمان آورده اند.

حزب آینده سازمانی خواهد بود، دارای مرامنامه و اساسنامه شفاف، رهبری انتخابی و مصوبات روشن، افق تاریخی قابل دید و انسانهای دارای هویت، حزبی که نسلی از انسانهای روشن بین که آزادی، برابری و رفاه را، حق مردم افغانستان و زحمتکشان جهان میدانند، در آن متشکل میگردند.

سازمان ما خانه مشترک کسانی است که جز پیروزی خلق زحمتکش و رهایی وطن از بندهای قرون وسطایی و استقرار یک نظام عادلانه و دموکراتیک آرزو و اندیشه یی ندارد.
رفقا؛

جنبش چپ افغانی بعد از شکست عمیق و افت تحمیلی، دارد به پا می خیزد. عقب نشینی نیروهای عدالت طلب و ترقیخواه هر چند هم موقتی است، موجی از سرخورده گی، ناامیدی، بی باوری و سردرگمی تیوریک را با خود همراه داشته است. کم نیستند نمونه های تاریخی که پس از هر عقبگرد و شکست بزرگ عده یی صادقانه و تعدادی مزورانه و از سر فرصت طلبی حساب خود را از نیروهای شکست خورده جدا کرده و به صف «پیروزمندان» می پیوندند. آنچنانیکه پیشگامان جنبش انقلابی جهان نشان داده اند:

«این چیزی جز تبلور اصل قانونمند حاکمیت، منافع طبقاتی در عملکرد تاریخ انسان ها نیست.»

همچنان در پی این شکست بزرگ تاریخی، کم نبودند نیروهای چپی که مبارزه طبقاتی را پایان یافته اعلام کردند، «نظم نوین جهانی» را به جان خریدند، مبارزان راستین راه زحمتکشان را «چپ گرایان سنتی» و «جزم گرا» نامیدند، دسترسی به آرمانهای والای زحمتکشان را از نا ممکنات زمان خواندند و در دایره واژه ها و در لفافه اصطلاحاتی چون «نو اندیشی»، «نو گرایی»، «تجدد طلبی»، «مردم سالاری»، «حاکمیت خبره گان» و «بازار آزاد» مشعلدار و مدافع نظریاتی شدند که نه تنها به نو گرایی، نو اندیشی و مردم سالاری ارتباط ندارند، بلکه در عمل جز دفاع از واپسگرایی و اندیشه ارتجاعی سرمایه داری به منزلت یک نظام مبتنی بر استثمار زحمتکشان چیز دیگری نمیتواند باشد.

عجب اینکه تعدادی از «انقلابیون سابقه دار» و سکاندار کشتی جنبش چپ دیروز سکوت را شکستند و در مسابقه برای پریدن بر ارابه «دموکراسی بورژوازی»، «دموکراسی اسلامی» «ناسیونالیسم»، تقدس «بازار آزاد»، و مالکیت بورژوازی دست و پای یکدیگر را لگد میکنند. رفقا؛ ما منتظر بودیم ببینیم «نهضت آینده» چی میکند، کجا میرود و در کجا می ایستد. ما دریافتیم که «نهضت آینده» بینش و موازین و اصول سیاسی و عملی دارد. به همت شما همزمان امروز هر موافق و مخالف ما میتواند سیمای فکری، سیاسی و عملی «نهضت آینده» را درک کند و به روشنی جایگاه سیاسی فردای آن را در صحنه سیاسی کشور تعریف کند. رفقا؛

کنفرانس ما در شرایطی دایر گردیده که فقر کشنده، از کران تا کران کشور، گلوی زحمتکشان را می فشارد.

بر خلاف تبلیغات عوامفربانه ارتجاع حاکم بر کشور و سرازیر شدن میلیارد ها دالر به داخل کشور، اکثریت مردم در فقر زنده گی میکند، مردم قدرت خرید خود را از دست داده اند، عاید سرانه آنها به پایین ترین سطح تقرب نموده و به گرسنگی مواجه اند. با گذشت هر روز، لشکر بیکاران طویل تر میگردد. ملیونها انسان این سرزمین به آب آشامیدنی دسترسی ندارند، مردم گروه گروه به دلیل فقر و گرسنه گی و بی آبی از محلات اصلی سکونت خویش به سوی سرنوشت نامعلوم متواری میگردند. بر اساس گزارشات منتشره رسمی دولتی ۶۵ میلیون نفوس روستایی (رقم واقعی بیشتر از این است) که اکثریت آنها را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل میدهند، به مواد غذایی دسترسی ندارند. پیامد های جنگ، تجاوز و تخریب و اشغال در تمام عرصه های زنده گی کشور محسوس است. هر روز صدها تن از مردم زحمتکش ما از نبود غذا، سرپناه و

ادویه، زنده گی خود را از دست میدهند، صرف نظر از چند مکتب و مدرسه در شهر کابل و مراکز چند شهر بزرگ، اکثریت کودکان (دختر و پسر) از آموزش و تعلیم و تربیه محروم اند و انواع خشونت بر زنان و کودکان اعمال میگردد.

فقر سیاه گلوی دهقانان را می فشارد، سمت گیری اقتصادی - اجتماعی ضد ملی «حاکمیت» باعث تشدید فقر و تیره روزی میلیونها دهقان کشور گردیده است، سیل مهاجرت های اجباری و کتلوی نفوس دهاتی، از ثمرات این سمتگیری ضد مردمی است.

بر اساس گزارشات اخیر سازمان ملل متحد که در نومبر سال ۲۰۰۴ انتشار یافت، در افغانستان در سال ۲۰۰۴ میلادی ۴۲۰۰ تن مواد مخدر تولید گردیده که نظر به سال قبل ۱۷ فیصد تزئید را نشان میدهد. همین اکنون ۷۸ فیصد تولید جهانی تریاک از افغانستان تامین میگردد. به رغم تبلیغات عوامفریبانه بی که در رابطه به مبارزه علیه تولید، کشت و ترافیک مواد مخدر به عمل آمده، کشت نباتات غیر مجاز در کشور به صورت بی سابقه بی گسترش حاصل نموده، برای اولین بار در سال ۲۰۰۴ کشت کوکنار از محدوده چند ولایت فراتر رفت و در ۳۲ ولایت افغانستان کشت شد. طی این سال در ساحه کشت نباتات غیر مجاز ۶۴ فیصد افزایش به عمل آمده است. بر اساس سنجش های مقدماتی سازمان ملل متحد درآمد مواد مخدر در سال ۲۰۰۴ بیشتر از ۲۸ میلیارد دالر امریکایی محاسبه گردیده که تقریباً ۶۰ فیصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل میدهد.

با دریغ که تجارت تریاک عمده ترین فعالیت اقتصادی است، شانه زار عین زیر بار استثمار و فشار معامله گران مواد مخدر خم گردیده و ثروت ها عملاً به دست قاچاقچیان مواد مخدر، قوماندانهای محلی و ملاکین بزرگ متمرکز گردیده است. ترویج و تکثیر نباتات غیر مجاز و کشت گسترش یابنده آن به ویژه بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به زرع نباتات اصلی ضربات ریشه بی وارد نموده و عملاً اقتصاد زراعتی - صنعتی به رکود و حالت فلج کشانیده شده است.

بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ با توجه به تعهداتی که از طرف جامعه جهانی و کشورهای ذیدخل در مساله افغانستان عنوان گردیده، انتظارات زیادی در میان زحمتکشان برای بهبود شرایط طاقت فرسای کنونی ایجاد شد که تا کنون بی پاسخ مانده است.

ما با تأکید ابراز میداریم که نمیتوان با ادامه سیاستهای فاجعه بار کنونی اقتصادی هیچ گام موثری در راه مبارزه با فقر و تامین عدالت اجتماعی برداشت. **عدالت اجتماعی تنها با توزیع عادلانه ثروت در جامعه امکان پذیر است. هیچ یک از برنامه های اتخاذ شده از سوی « دولت جدید» نشانی از حرکت به این سمت را با خود ندارد.**

در این جای شکی نیست که سیستم جهانی فراملی سرمایه داری به منظور جهانی سازی سرمایه مالی با استفاده از امکانات پروسه شتابنده « جهانی شدن » و سود بردن از شرایط و مجبوریت های کشورها، به خاطر در بند کشیدن ملل جهان در تلاش است و از طریق اهرم های اقتصادی و کارتل ها و اتحادیه های مالی چون « صندوق بین المللی پول »، « بانک جهانی »، « بانک توسعه آسیایی و « سازمان تجارت جهانی » با اجرای مقررات محدود کننده عمل اقتصادی و قراردادهای مربوط به قیمت و تعرفه های مالی و تجارتي، اراده و صلاحیت عمل اقتصاد – سیاسی دول و ملل کشورها و روبنای سیاسی آنها را سلب و حذف میدارد.

به دلیل شرایط پیچیده تکامل تکنالوژی و ارتباط و تغییرات کیفی عمده در مناسبات جهانی، برای شرکتهای فراملی فرصتی پیش آمده است که خود را برای تصاحب منابع سیاره ما به خصوص در کشورهای عقب نگه داشته شده و در حال انکشاف و به اسارت کشیدن میلیونها مغز و بازوی کار آنها بسیج کنند. منطقه و کشور ما از جمله مناطقی است که برای غارت آن کمر بسته شده است.

آفت تولید داخلی، اقتصاد کشور را بیش از پیش به واردات کالاهای خارجی وابسته ساخته است. چنین روند به تمرکز هرچه بیشتر سرمایه سیال در دست سرمایه داران تجاری می انجامد و کشور را تبدیل به یک جامعه مصرفی می نماید و پوتنسیال تولیدی کشور را می بلعد **بنابراین تغییر ساختار اقتصادی به منظور: تشویق سرمایه گذاری مولد، تامین رشد واقعی برای صنایع تولیدی و توسعه صنایع مفید و کلیدی و زیر ساخت های اقتصادی، تقویة اهرم های مناسب کالایی و پولی متمرکز در دست دولت و سایر سکتورهای اقتصادی برای بالا بردن میزان سود آوری ثمربخش اقتصادی، افزایش انباشت داخلی، تامین رشد متوازن اقتصادی و بالابردن سطح زنده گی زحمتکشان از اولویت های برنامه اقتصادی سازمان ما خواهد بود.** در کشور ما که سطح پایین نیروهای مولده، ساختار اقتصادی ناقص، سیستم اقتصادی پیچیده، موجودیت شیوه های اقتصادی فیودالی و ماقبل فیودالی، سهم بیشتر اقتصاد طبیعی (تولید به منظور بر آوردن نیازهای مولدین) سطح پایین بازدهی کار و مولدیت از جمله خصوصیات اساسی اقتصادی آن به شمار میرود و از جهت ساختار اقتصادی – اجتماعی مرکب از اقتصاد چندین شیوه یی (طبیعی ، خرده کالایی، نیمه فیودالی و بورژوازی تجاری) است که هر کدام از خود مناسبات مشخص تولیدی را به وجود آورده و مزید بر آن تخریبات جنگی به ناقص بودن ساختار اقتصادی کشور و پیچیده گی های اقتصادی – اجتماعی افزوده است.

**تعیین اهداف استراتژیک و دورنمایی اقتصادی و هم برنامه های مقطعی و مرحله یی و هم
گزینش راهها و وسایل انکشاف مقدم از همه درک عمیق مختصات ساختارها و اهرمهای
اقتصادی و سنجش همه جانبه را ایجاب می نماید.**

با در نظر داشت اوضاع سیاسی و بحران ساختاری اقتصادی کشور، «نهضت آینده» در ارتباط
به سیاست اقتصادی و گزینش راه انکشاف از جنبه نظری در طرح مرامنامه « حزب مردم
افغانستان » موضع خویش را تا حد ممکن و مقدر به صورت کلی ارایه نموده است. ما تلاش
میداریم پیوسته سیاستهای سودجویانه و استثمارگرانه اقتصادی «حاکمیت موجود» را مورد
بحث و نقد و ارزیابی قرار دهیم تا بتوان به ملاحظه آن با تجزیه و تحلیل جوانب مشخص
تحولات اقتصادی-سیاسی جهان و اوضاع و امکانات کشور به دریافت مناسب ترین جاگزین راه
رشد و انکشاف اجتماعی- اقتصادی به نفع زحمتکشان و منافع دورنمایی آنان نایل گردیم.

رفقا، طی سالهای اخیر تحولات مهمی در ساختار اقتصادی-اجتماعی کشور، آرایش طبقاتی
جامعه و شیوه های تولیدی و ترکیب نیروهای مولده آن رخ داده است. بنابراین تحلیل، تجزیه و
ارزیابی تغییرات و تحولات اقتصادی-اجتماعی و سیاسی کشور و درک و شناخت واقعیت ها و
روندهای جاری جامعه و دریافت اساسی ترین بافتهای اقتصادی آن به حیث یک وظیفه نهایت
مهم در مقابل سازمان ما قرار دارد. پیشنهاد میکنم تا با **سنجش بیشتر، دقت مسؤولانه و
کارشناسانه و با تفکر و تعقل جمعی در این زمینه گام برداشت و از تجربه کاری و خرد جمعی**

نیروی روشنفکری خانواده چپ استفاده نمود، چي گزینش راه انکشاف و تعیین راهها و وسایل
برای رفع عقب مانده گی اقتصادی کشور، مستلزم درک و شناخت دقیق علمی و عینی ساختار
اجتماعی-اقتصادی کشور و چگونه گی آرایش طبقاتی آن پنداشته میشود.

اینکه در یک کشور بی نهایت عقب نگهداشته شده، جنگ زده و ویران شده با اقتصاد
ورشکسته و در حالت رکود و مردم در فقر نشسته با پایین ترین قدرت خرید، فعالیت و عملکرد
مدل «اقتصاد بازار» با ویژه گیهای نظری آن میتوان تضمین گردد یا خیر؟ و یا اینکه گزینش
مدل «اقتصاد بازار آزاد» با پذیرفتن آزادیهای ساختاری آن با نیازمندیهای اساسی مردم
همسویی دارد یا نه؟ بحثی است جداگانه که باید بدون تعصب از دید اقتصاد سیاسی با رجحان
منافع زحمتکشان به آن پرداخت.

برخی از نکات نظر و ارزیابیهای ما در رابطه به:

- ماهیت و ویژه گیهای ساختاری مدل‌های اقتصادی،
گزینش راه رشد و انکشاف و تعیین راهها و وسایل برای رفع عقب مانده گی کشور و
چگونه گی تحولات مهم در آرایش طبقاتی جامعه افغانی طی سالهای اخیر، در نوشتار های
جداگانه ارایه گردیده که بعداً به نشر خواهد رسید.

رفقا،

در فرجام باید گفت : اینکه دیروز ما چه کرده ایم؟ امروز چه میکنیم و فردا چه خواهیم کرد؟
در مورد آن آینده گان بهتر داوری خواهند کرد. ارزیابی آنها صایب و محاسبه آنان سخت خواهد
بود. «آینده» به قضاوت تاریخ می نگرد.

باور ما این است که «آینده» قوی تر ، پر شیمه تر و دگرگون کننده تر و پویاتر و سازنده تر از
امروز است.

«راز دل زمانه کجا ، کی نهفتنیست
بر چرخ آنچه بر گذرد ، بر شمردنیست
تاریخ همچو پرده نقاش چیره دست
تصویر صادقانه یی از ما کشیدنیست»

www.ayenda.org